

## امام(ره) فرمان تشکیل بسیج را صادر کرد

۲ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۵

حضرت امام در روز ۵ آذر ۱۳۵۸ خواستار آموزش نظامی همگانی و تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی شد.

امام خمینی(ره) در جمع اعضای سپاه پاسداران مرکز تهران در روز ۵ آذر ۱۳۵۸ خواستار آموزش نظامی همگانی و تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی شد. و تاکید کرد: «مملکت اسلامی همه‌اش باید نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد... همه جا باید این طور بشود که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد...»

متن کامل سخنان امام در این دیدار بدین شرح است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعضی وقت‌ها هست که یک حرفی یک مسئله‌ای بسیار خوب است، لکن طرحش در یک موقعی خوب نیست. مثلاً فرض کنید نماز که از همه عبادت‌ها افضل است، و مسائلش هم واجب است که انسان یاد بگیرد، یک وقت اتفاق می‌افتد که زلزله آمده است و یک عده از برادرهایمان زیر خاک هستند، و آن وقت ما جمع بشویم، بنشینیم راجع به مسئله نماز صحبت کنیم. مسئله خوب است، وقتش خوب نیست. قضیه مطالبی که در این روزها می‌آید و موجب یک مثلاً، تشنجی، موجب یک ناراحتی می‌شود. در یک همچو موقعی که کشور شما در سر راه یک خطر بزرگ واقع شده است، شما غافلید که با چی مقابله کنید. با امریکا که مجهز به همهٔ جهازهای درجهٔ اول دنیاست. یعنی یک قوه‌ای است که مقابل ندارد در دنیا. لکن ما مجهزیم به یک قدرت بالاتر از آن، و آن توجه به خدا و اسلام است. از این جهت ما الآن مواجهیم با یک همچو قدرت بزرگ، که علاوه بر قدرت تسلیحاتی، قدرت‌های بزرگ شیطنانی هم دارد. الآن هم در همهٔ دنیا دارد فعالیت می‌کند، و تبلیغات می‌کند، و وادار می‌کند همهٔ ممالک دیگر را، تا آن قدری که بتواند تمام آن دستجات خودش را تجهیز کند در مقابل ملت ما و شماها و هم از نظر تبلیغات، آن طور تبلیغات وسیع را شروع کردند و دارند می‌کنند، و در مطبوعات خارجی و در رسانه‌های آنجا دارد بر ضد انقلاب ما تجهیزات می‌کنند. و هم ما را از دخالت نظامی می‌آرسانند. در یک همچو موقعی که وضعمان این طور است، مسئله هر چه هم مسئله مهمی باشد، نباید تشنج ایجاد کنیم. باید مسئله را به طور سالم و عاقلانه و بی‌آیه‌هاو طرح بکنیم.

شما بدانید این را که از هر اجتماعی که امروز بشود، و اجتماعی باشد که تویش یک تشنجی باشد حتی برای یک مطلب حقی، باید دست برداریم و برویم سراغ آن مسئله اصلی. اگر اینطور نکنیم این به نفع آنهاست. آنها ازش استفاده می‌کنند. شیاطین‌اند آنها. از این جهت من آن چیزی را که به صلاح ملت است، به صلاح اسلام است، به صلاح شماست باید عرض کنم. و آن اینکه مسئله صحیح است، حق است، اما تشنج صحیح نیست. قوای شما باید الآن همه مجتمع در یک راه باشد. قوای فکریتان و قوای غیرفکریتان همه باید در یک راه بروند. امروز که ما مواجه شدیم با این مسئله، اگر منحرف بشویم، ولو به یک مطلب بسیار خوبی که فرض کنید که یکی از مسائل بزرگ اسلام است، اما الآن مسئله درجه اول حفظ اسلام است. شما می‌خواهید برای اسلام خدمت بکنید.

الآن در رأس همه مسائل اسلام این قضیه مواجهه با امریکاست. اگر بخواهید قدرت‌ها را جدا کنیم از هم، بخواهیم از هم جدا کنیم، قوا از هم منفصل بشود، کشیده بشود از این طرف و از آن طرف، این‌ها همه‌اش به نفع امریکا تمام می‌شود. و دست‌هایی در اینجا هست برای ایجاد یک همچه مسائل. این مسائل را ایجاد می‌کنند. و گاهی هم استفاده از روح پاک جوانان می‌کنند. این جهت خیلی باید مورد نظر همه آقایان باشد، که مبدا یک وقتی ما از آن مسیری که داریم، که امروز فقط یک مطلب است، و آن اینکه الآن دشمن ما امریکاست. و باید تمام تجهیزات ما طرف این دشمن باشد. مبدا یک وقتی یک تبلیغات سوئی بشود. و یک چیزهایی بشود که اسباب این بشود که نظرهای ما تشتت پیدا کند.

افکارمان مختلف بشود. ما یک افکاری داشته باشیم، شما یک افکاری داشته باشید، دستجات دیگر افکاری دیگر داشته باشند. همه افکار الآن باید یک [سمت] باشد. چطور در آن وقتی که ما مواجه با این قدرت شیطانی داخلی بودیم، هیچ تشتتی توی کار نبود. همه با هم یک فکر داشتیم. همه «الله اکبر» می‌گفتید، و مقابله با یک همچه قدرتی می‌کردید. شما الآن می‌دانید که مقابل ما قدرتی است که صدها مقابل زیادتر از آن قدرت است. هزارها مقابل آن قدرت است. شما امروز یک همچه حالی دارید. مملکتتان یک همچه حالی دارد. مملکت شما الآن یک حالی دارد که اگر دیر بجنبیم از بین رفتیم تا آخر. همه باید یکصدا باشیم. برای مسائلی که برای خودمان طرح است، هر چه هم مسئله بزرگ باشد، مسائلی که برای دوستانمان طرح است، هر چه هم بزرگ باشد، امروز نباید ما تشنج ایجاد کنیم برای آن. مسئله داریم، فرض کنید که یک مسئله مهمی داریم، این مسئله باید مثلاً با من گفته بشود. دو سه نفر تعیین بکنند بیايند با من صحبت بکنند. مسئله فرض کنید به کسی دیگر مرتبط است، باز همانطور بکنند که یک حل بدون سر و صدا باشد. سر و صدای امروز قضیه‌ای است که مقابله با امریکاست. امروز هر سر و صدایی بلند بکنید که غیر از این مسیر باشد بدانید که بردش را آنها دارند. و بسیار احتمال بدهید که یک محرکی، بدون اینکه آدم بفهمد، گاهی وقت‌ها آدم را وادار می‌کنند به یک کاری که خودش هم ملتفت نیست دارد چه می‌کنند. این خیلی مورد اهمیت است. و مورد توجه آقایان باید باشد.

شما این را بدانید که من به شماها علاقه دارم؛ به پاسدارها. پاسدارها بودند که مملکت ما را در یک زمانی که هیچ کس نمی‌توانست حفظ بکند، این‌ها حفظ کردند. الآن هم دارند حفظ می‌کنند. این یک علاقه الهی است که ما به شما داریم. و این را بدانید که یک مطلبی که برخلاف صلاح شما باشد، این برخلاف صلاح اسلام است، و ما نخواهیم زد. لکن اگر یک مطلبی را من

الآن گفتیم به شما، که باید راه را چطوری رفت، بدانید که این هم صلاح شمامست، و هم صلاح مملکتتان است، و هم صلاح اسلام است که من عرض می‌کنم. در عین حالی که شما می‌دانید که من با ایشان [آیت‌الله لاهوتی، مسئول وقت سپاه] محبت دارم، ارادت دارم، دوست دارم او را. ایشان هم به من نوشتند که من مریضم و مرض قلبی دارم و من را عفو کنید از این کار. منم باز تا حالا جوابی به ایشان ندادم، لکن خوب یک مریض را نمی‌شود الزامش کنیم که شما باید مزاج خودت را از بین ببری. قلبت خدای نخواسته یک وقت از بین برود برای اینکه ما علاقه به تو داریم. علاقه این است که اگر واقعاً یک همچو کسالتی دارند ایشان، بروند خارج و معالجه کنند. و شما هم همراهی کنید با اینکه ایشان بروند خارج معالجه کنند. و اگر اشکالات دیگری دارند خوب خود ایشان بیایند با من اشکالاتشان را بگویند. یا یک کسی را بفرستند با من اشکالاتشان را بگویند. من از این وضعی که هیاهو بشود و در غیر آن مسیر و آن مطلبی که مطلب اصیل امروز ماست، این را صلاح نمی‌دانم. چنانچه هر دست‌های که الآن، فرض کنید که، یک اعتصابی بکنند در کارخانه‌ها، یک اعتصابی بشود در وزارتخانه‌ها، در ادارات دولتی، یک اعتصابی بشود، این همه‌اش به نفع آن‌هاست، و بر ضرر ما. این نظیر همان معناست که عرض کردم، که مطلب خیلی خوب است، وقتش خوب نیست. مطلب، مطلب صحیح است، لکن مطلب صحیح در یک وقت صحیح باید باشد. یک وقت اینکه باید ما همه قوایمان را مجتمع کنیم برای نجات دادن یک کشوری. باید اگر مسائلی برایمان پیش بیاید، هر چه هم سخت باشد، تحمل کنیم. و اگر راه حل دارد راه حل بدون یک همچو اجتماعی حل عقلایی، که یک نفر، دو نفر بیایند مسائلشان را بگویند و خوب، البته ما هم عرض کردم که علاقه داریم به شما و به ایشان.

در هر صورت من این مطلب را لازم بود تذکر بدهم. و ایشان هم اگر کسالت دارند شما نباید اصرار بکنید که یک نفر آدمی که قلبش در خطر است و باید برود در خارج معالجه بکند، شما اصرار کنید که نه، باید تو باشی و غیر از تو هم نمی‌شود. این برای حفظ او. باید خوب. شما بعدها ایشان را لازم دارید. از این جهت من تا حالا جواب ایشان را ندادم. ایشان هم نیامده‌اند تا حالا پیش من که ببینم که مسئله همان مسئله کسالت است یا مسائل دیگری هست. و ممکن است که ایشان بیایند پیش من و با ایشان صحبت بکنیم ببینیم چیست قصه.

در هر صورت کل قضیه را باز من تکرار می‌کنم که بدانید شما با یک قدرتی مواجه هستید که اگر یک غفلت بشود مملکتتان از بین می‌رود. غفلت نباید بکنید. غفلت نکردن به این است که همه قوا، هر چه فریاد دارید سر [امریکا] بکشید. هر چه تظاهر دارید بر ضد آن بکنید. هر عملی دارید، عمل مثبت را، بر ضد آن کنید. قوای خودتان را مجهز کنید. و یک تعلیمات نظامی خودتان پیدا کنید. به دوستانتان تعلیم بدهید. به اشخاصی که - عرض می‌کنم - که همینطوری دارند راه می‌روند تعلیمات نظامی بدهید. مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد. تعلیمات نظامی داشته باشد. یکی از ابواب فقه، باب «رمی» است، که تیراندازی است. خوب، آن وقت تیراندازی بوده، حالا هم تیراندازی است به یک جور دیگر. در اسلام با اینکه «رهن» یعنی یک شرطی را بگذارند برای چیزی، که نظیر قماربازی می‌شود حرام است، برای رمی حرام نیست. برای اسب‌دوانی حرام نیست. «سبق و رمایه» یکی از مسائل فقه است. برای اینکه همه برای همه افراد مستحب است که سواری را یاد بگیرند. حالا اتومبیل سواری را، رانندگی را یاد بگیرند. و برای همه مستحب است که تیراندازی را یاد بگیرند. فنون جنگی را یاد بگیرند.

اگر یک ملت که همه جوان‌هایش مجهز باشند به همین جهازی علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی هم باشند، سلاحی هم باشند و یاد گرفته باشند، همچی نباشند که یک تفنگی دستشان آمدند ندانند با آنچه بکنندش. باید یاد بگیرد و یاد بدهد رفقایان را. جوان‌ها را یادشان بدهید. و همه جا باید این طور بشود که یک مملکت بعد از یک چند سالی بشود یک کشوری با ۲۰ میلیون جوان که دارد بیست میلیون تفنگدار داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد. و این یک همچی مملکتی آسیب‌بردار نیست. و الآن هم الحمدلله آسیب‌بردار نیست. الآن هم ما پشتیبانمان خداست. و ما برای او نهضت کردیم. برای پیاده کردن دین او نهضت کردیم. و خدا با ماست.

و من امیدوارم که شکست برای شما نباشد انشاءالله! خداوند همه‌لتان را حفظ کند. و این معنایی را که عرض کردم توجه بهش داشته باشید. به رفقای که دارید، به دستجاتی که هستند آنجا، هر جا که هستند، توجه بدهید، که امروز روزی است که همه با هم یک مطلب باید بگوییم. و آن اینکه الآن شعار مردم شده همه. الآن محرم است، و همه دستجات بیرون می‌آیند. و دستجات باید عزاداری بکنند. عزاداری مهم است. در ضمن عزاداری همان شعارهایی هم که می‌دهند بدهند. ولی عزاداریشان هم باید باشد. خداوند همه شما را انشاءالله حفظ کند. من دعاگوی همه شما هستم. من دیگر حالم مقتضی نیست.»

سخنان امام مبنی تشکیل ارتش ۲۰ میلیون با استقبال طیف‌های مختلف گروه‌های سیاسی و مردم قرار گرفت. چند روز بعد یعنی در روز ۱۲ آذر همان سال بود که قانون اساسی جمهوری اسلامی در یک همه‌پرسی به تأیید مردم رسید.

در اصل ۱۵۱ این قانون تصریح شده بود که: «به حکم آیه کریمه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.»

اینچنین بود که مقدمات تشکیل بسیج با نام اولیه سازمان بسیج ملی فراهم شد. چند ماه پس از سخنان امام درباره ارتش ۲۰ میلیونی، شورای انقلاب در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ لایحه قانونی تشکیل سازمان بسیج ملی را تصویب و برای اجرا به وزارت کشور ارسال کرد.

در پی شروع جنگ تحمیلی موضوع آموزش نظامی همگانی و تشکیل بسیج بسیاری از مشکلات پیش روی کشور را حل کرد و مردم آموزش‌دیده فوج فوج به جبهه‌ها اعزام شدند. ۲۸ دی ماه ۱۳۵۹ شهید رجایی، نخست‌وزیر وقت با ارسال نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «قانون راجع به ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در جلسه مورخ بیست و هشتم دی ماه ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۶/ق/م مورخ ۵۹/۱۱/۲۱ ریاست جمهوری به نخست‌وزیر واصل گردیده است، برای اجراء به پیوست ابلاغ می‌گردد.»

بدین ترتیب سازمان بسیج ملی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ملحق شد و در طول هشت سال جنگ تحمیلی نیروهای رزمی مردمی را برای اعزام به جبهه‌های جنگ سازماندهی کرد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۸۷۶۱/امام-ره-فرمان-بسیج-تشکیلات-فرمانده-امام>